فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و یکم، تابستان ۱۴۰۴- صفحات ۶۰۴-۵۸۳

عدالت در مالکیت در قرآن

نوع مقاله: پژوهشی

سعیده علیزاده[۱]
مرتضی عزتی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۲۹

چکیده

می‌توان گفت ساختار حقوق مالکیت در هر نظام اقتصادی برپایه یک تعریف از عدالت شکل گرفته است. قرآن به عدالت توجه ویژه دارد. می‌توان از آیات قران، مفهوم عدالت قرانی را برداشت کرد. این عدالت پایه عدالت در مالکیت نیز خواهد بود. چارچوب حقوق مالکیت قابل برداشت از قران برپایه این عدالت بنا شده است. چارچوب عدالت در مالکیت ابعادی دارد که می‌توان دیدگاه حاکم بر آیات قران را در این زمینه نیز به‌دست آورد. با این وجود در این زمینه دیدگاه‌هایی با عنوان اسلامی مطرح شده است که برخی جای تامل دارند. اگر بخواهیم برداشت خاصی را نسبت به موضوع عدالت در مالکیت به نام اسلامی نقد، پذیرش یا رد کنیم، بهترین معیار، قرآن است. از این‌رو در این مقاله کوشش شده است با استخراج آیات مرتبط با عدالت در مالکیت در قرآن، موضوع عدالت در مالکیت در قرآن، بررسی و ابعاد اصلی آن صورت‌بندی نظری شود. در این بررسی به این نتیجه می‌رسیم که مبنای عدالت در قرآن، رعایت حقوق افراد بر مبنای حقوق اکتسابی، حقوق طبیعی و احکام الهی است. می‌توان گفت برپایه قرآن، عدالت از طریق رعایت حق مالکیت بر دارایی، رعایت حق آزادی اقتصادی افراد در به‌کارگیری حق تصرف دارایی‌شان و صیانت از حقوق و حفظ امنیت اقتصادی، ساختار حقوق مالکیت در جامعه را می‌سازد. درحالی که دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در همه ابعاد با هم یکسان نیست و برخی نیز با قران هماهنگ نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: عدالت، مالکیت، قرآن، حق، اقتصاد اسلامی.
طبقه‌بندی JEL : D63,G32,N30,N45

۱ استادیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) saeedeh.alizadeh@modares.ac.ir
۲ دانشیار اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس mezzati@modares.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مقدمه

یکی از پایه‌ای‌ترین مفهوم‌ها در علم اقتصاد، تخصیص منابع است. لازمه تخصیص نیز اختیار تخصیص است. باید تخصیص دهنده اختیار تخصیص را داشته باشد تا بتواند دارایی را تخصیص دهد. حق آن است که تخصیص هر دارایی از سوی مالک انجام شود، در غیر این‌صورت ناحق و بی‌عدالتی رخ داده است. از این‌رو اختیار تخصیص یکی از حقوق مالک است. حقوق مالکیت دربردارنده این مطلب هستند که افراد با منابعی که مالک آن هستند چه کارهایی می‌توانند انجام دهند. چون برای مالکیت حقوقی وجود دارد، رعایت حقوق مالکیت و حفاظت از آن به نوعی بیانگر مفهوم عدالت در چارچوب حقوق مالکیت است.

منابع متعددی وجود دارند که با ادعای ایدئولوژیک اسلامی، مالکیت یا عدالت را با عنوان اسلامی مطرح کرده‌اند. بیشتر این منابع، ارایه دهنده دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان است.

هرچند قرآن درپی تبیین ایدئولوژیک مساله مالکیت یا عدالت نبوده است، ولی می‌توان در قرآن نکته‌های پایه‌ای را درباره شکل پذیرفته شده مالکیت یا عدالت یافت. هدف از انجام این بررسی بیان دوباره موضوع مالکیت یا عدالت نیست، بلکه استخراج دیدگاه پشتیبان قران درباره ابعاد موضوع عدالت در مالکیت و تعیین تفاوت‌های دیدگاه‌های نمونه‌ای از اندیشمندان مسلمان با دیدگاه قابل برداشت از قرآن است.

برای این بررسی، پس از نگاهی به پیشینه عدالت در مالکیت در قرآن و اشاره به روش بررسی، ۴ بعد پایه‌ای عدالت در مالکیت در قران بررسی استخراج می‌شود. همراه دیدگاه قران در زمینه هر یک از این ابعاد، نگاه چهار اندیشمند مسلمان (سید محمود طالقانی، مرتضی مطهری، سید محمدباقر صدر وسید محمد حسینی بهشتی) در این زمینه استخراج و ارایه می‌شود و ابعاد عدالت در مالکیت از دیدگاه این اندیشمندان با چارچوب برداشتی از آیات قرآن تحلیل و مقایسه می‌شود تا انطباق یا اختلاف آنها روشن شود و بتوان جمع‌بندی پایانی را ارایه کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱. پیشینه

نوشته‌های بسیاری درباره مالکیت یا عدالت، با برداشت‌هایی به نام قرآن یا اسلام منتشر شده است. درباره موضوع مالکیت در قرآن نیز بررسی‌های قابل توجهی انجام شده است که می‌توان به بررسی‌های طالقانی (۱۳۴۴، ۱۵۱-۱۴۴)، هادوی‌نیا (۱۳۸۲، صص ۳۵-۱۳)، نادری شاهی و دیگران (۱۴۰۲، صص ۹۳-۸۵)، دهش‌ور و همکاران (۱۳۶۶، ۱۳۵-۱۰۹) و پورابراهیم و همکاران (۱۴۰۱،۷۱-۵۱)، اشاره کرد. در زمینه عدالت نیز بیشتر اندیشمندان مسلمان نظر داده‌اند. درباره عدالت در قرآن نیز بررسی‌های گسترده‌ای انجام شده است. در بررسی‌های جدید می‌توان به هاشمی تنکابنی (۱۳۹۸،۲۳۶-۲۳۰)، برزگر و کاظمی‌تبار (۱۴۰۰، ۱۶-۱)، خسروپناه و همکاران (۱۳۹۳، ۷۳-۵۲)، پورمولا و همکاران (۱۳۹۴، ۲۲۰-۱)، اخوان طبسی و داوری (۱۳۹۷، ۱۱۵-۱۱۰)، مقدسی و افصحی (۱۴۰۲،۵۶-۴۵)، خوش‌فر و رحمانی (۱۴۰۰، ۵۱-۴۴)، اخلاقی (۱۴۰۰، ۱۰۵-۸۹)، عزتی و همکاران (۱۴۰۰، ۶۲۵-۶۱۵)، عزتی (۱۴۰۳، ۱۳۵-۱۲۸) و عزتی (۱۴۰۳، ۳۱-۵۸) اشاره کرد. ولی هیچ یک از اینها عدالت در مالکیت را بررسی نکرده‌اند. با این وجود، تعداد اندکی از بررسی‌ها دو موضوع عدالت و مالکیت را مطرح کرده‌اند که بیشتر از زاویه‌های دیگری است. ۳ بررسی را که اندکی به بررسی حاضر نزدیک‌تر است مرور می‌کنیم.

معلمی (۱۳۹۴، ۱۱۰-۹۵) به بررسی مدل مالکیت طولی و نظریه عدالت در اسلام پرداخته است. . ویژگی بارز این بررسی آن است که با استفاده از آیات و برداشت‌هایی از قرآن ارتباط مالکیت و نظریه عدالت را بررسی کرده است. این بررسی درارتباط با، رابطه ساختار طولی مالکیت با عدالت اقتصادی بر اساس آیات ۳۴ سوره ابراهیم، ۳۴ سوره توبه و ۵ سوره نسا، اینگونه نتیجه می گیرد: از آنجا که مالکیت خصوصی در طول مالکیت خداوند و جامعه قرار دارد، افراد در تصرفات مالی خویش، خود را در برابر خدا مسئول می‌بینند.

نوراحمدی (۱۳۹۱) در کتاب مالکیت, عدالت و رشد به بررسی عدالت در چارچوب بحث مالکیت در اندیشه‌های اقتصادی و ارتباط این دو پرداخته است. یکی از پرسش‌های کلیدی درباره عدالت اقتصادی این است که چه نسبتی بین عدالت اقتصادی و حقوق مالکیت وجود دارد و آیا حقوق مالکیت نسبت به عدالت اقتصادی مفهومی پیشینی (یا پسینی) است؟ و اینطور به سوالات مذکور طی این کتاب پاسخ داده شده است: نخست اینکه عدالت اقتصادی درباره روابط اقتصادی و به‌طور ویژه درباره روابط تولید، توزیع و مبادله کالاها و خدمات بین کارگزاران اقتصادی است. این روابط در نظام‌های اقتصادی با نهاد حقوق مالکیت تعیین می‌شود. دوم اینکه عدالت اقتصادی همواره بر ادعایی جهت تنظیم روابط اقتصادی در پرتو اصول اخلاقی رایج در هر عصر و زمان، تاکید دارد. در واقع این عدالت اقتصادی است که مقدم بر مفهوم مالکیت است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

نوراحمدی (۱۳۹۲، ۳۲۴-۲۸۳) در بررسی دیگر به تحلیل رابطه عدالت اقتصادی با مالکیت براساس روند اندیشه‌های اقتصادی پرداخته است. وجه اشتراک این بررسی با مقاله حاضر تحلیل نسبت بین عدالت اقتصادی و حقوق مالکیت است. در راستای تحلیل ارتباط عدالت اقتصادی و مالکیت اینگونه نتیجه می‌گیرد که تغییر شرایط اقتصادی و ارزش‌های دینی متفکرین غربی تا حد بسیار زیادی توضیح دهنده تحول عدالت اقتصادی و به تبع آن حقوق مالکیت به‌شمار می‌رود.

بر پایه آنچه در بررسی‌های پیشین در زمینه عدالت و مالکیت دیدیم، می‌توان گفت بررسی مشخصی مشاهده نمی‌شود که عدالت در مالکیت با محوریت قران را ارایه دهد. به ویژه اینکه هیچ یک به نقد و مقایسه دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان بر مبنای قران نپرداخته است.

۲. روش

در این بررسی دو دسته داده داریم: یکی آیه‌های قرآن درباره ابعاد عدالت در مالکیت و دیگری نوشته‌های به‌جا مانده از ۴ اندیشمند مسلمان (طالقانی، مطهری، صدر و بهشتی) درباره عدالت در مالکیت. این داده‌ها از منابع اصلی آن یعنی متن قرآن و نیز متن‌های نوشته‌های این ۴ اندیشمند استخراج می‌شود. در قرآن جستجو بین آیه‌ها با کلیدواژه‌های قسط، عدل ،حق ، ملک، مال و لام ملکیت، انجام می‌شود. جستجو در متن نوشتارهای منتسب به این ۴ اندیشمند درباره موضوع‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌شود تا نکته‌های اصلی دیدگاه ایشان در این زمینه استخراج شود. در هر دو بخش، مطالب تکراری کنار گذاشته می‌شود و با استناد به دست‌کم یک سند به موضوع تمرکز می‌شود. تجزیه و تحلیل بر روی ۴ مولفه کلیدی عدالت در مالکیت (مبنای عدالت، مبنای حق، حدود حق مالکیت و عدالت در مالکیت) انجام می‌شود. هماهنگی و تفاوت این دیدگاه‌ها با هم و با قرآن نیز برجسته و ارایه می‌شود.

۳. قرآن و عدالت در مالکیت

در این بخش کوشش می‌شود آیاتی از قرآن کریم که به‌طور صریح به بحث عدالت در مالکیت اشاره داشته‌اند، گزینش شوند تا از روی آنها ابعاد عدالت در مالکیت در قرآن استخراج شود. برای فهم دقیق‌تر آیات و تفسیر آنها سعی شده است مفهوم آنها براساس بیان تفسیر المیزان[۱] درک شود. پیش از ارایه دیدگاه قابل برداشت از قرآن، دیدگاه‌های این اندیشمدان در هر بعد از مساله ارایه می‌شود. با جستجویی در قرآن مشاهده می‌شود که واژه عدل و مشتقات از ریشه آن ۲۸ بار در ۲۲ آیه به‌کار رفته است. واژه قسط نیز در ۲۰ آیه ۲۳ بار از ریشه قسط و در ۲ آیه دیگر واژه قسطاس و

۱. پایگاه جامع قرآن quarn.inoor.ir (تفسیر المیزان).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

در ۲ آیه نیز واژه قاسطون به‌کار رفته است.

درباره ماده (م- ل- ک) ۱۳۲ بار در قرآن و در ۵۳ سوره و ۱۳۱ آیه از آن به‌کار رفته است که از این ۱۳۲ بار، ۱۹ بار بر وزن و هیئت مَلَک و در معنای فرشته هست و کاملا از واژه مُلک و معنای آن تفاوت دارد. بنابراین ماده (م - ل - ک) در معنای مُلک ۱۱۳ بار در قرآن کریم و در ۴۹ سوره و ۱۱۳ آیه به‌کار رفته است (عزیزی و همکارش، ۱۴۰۱، ص ۸۰). کلمه (حق) نیز، نزدیک ۲۸۳ بار در قرآن کریم آمده است که ۲۲۷ مرتبه با لفظ (الحق، بالحق) و ۱۷ مرتبه با لفظ (حقا) و ۳ بار با لفظ (حقه) و ۳۶ بار با لفظ (حق) و به عناوین مختلفی به‌کار رفته است. واژه مال نیز ۸۶ بار در قرآن کریم به صورت مفرد و جمع به‌کار رفته است.

۱-۳. مبنای عدالت

در زمینه مبنای عدالت، طالقانی می‌نویسد عدالت در اصطلاح به معنای هرچه را در مرتبه و جای خود نهادن و فراخور آن استعداد و موهبت دادن است (طالقانی، ۱۳۶۲، جلد ۵، صص ۴۹-۲۳). قسط در لغت به معنای سهم و نصیب و در اصطلاح همان عدالت عملی و توزیع عادلانه و رساندن حق مالی و دیگر حقوق افراد است (طالقانی، ۱۳۶۲، جلد ۲، صص ۱۶۰-۲۵۹ و جلد ۶، صص ۶۲-۶۱). بر این پایه در دیدگاه او جایگاه و حق افراد مبنای عدالت است.

مطهری عدالت را برپایه چهار مفهوم مساوات، حق، توازن و نفی هرگونه تبعیض تعریف می‌کند. در برخی نوشته‌ها عدالت را دادن حقی می‌داند که هر بشری به موجب خلقت خود و کار و فعالیتش به‌دست آورده است (مطهری، ۱۳۷۱، ۵۴). گاهی نیز عدالت را مساوات قانونی تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۷۱، ۵۶)، به این معنا که همه افراد باید در مقابل قانون یکسان باشند و قانون میان آنها تبعیضی قایل نشود، بلکه استحقاق‌ها رعایت شود (مطهری، ۱۳۷۱، ۵۸-۵۷ و ۱۴۰۳، ۱۷۱). مطهری در جای دیگری عدالت را معادل توازن معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۷۱، ۵۶). توازن مستلزم پذیرش و توجه به اختلاف افراد است و از نظر او عدالت مساوات نیست، اما مساوات در وضع مساوی لازمه عدالت است. مطهری در جایی عدالت را به معنای بهره‌برداری افراد از سهم خود در طبیعت و جامعه می‌داند، یعنی افراد باید بتوانند قوه‌هایی را که در طبیعت و جامعه است به فعلیت برسانند و از دسترنج خویش، نه دیگران، سود ببرند. اینگونه نباشد که یکی کار و دیگری بهره‌بردرای نماید (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶، صص ۲۴۸ و ۲۶۳-۲۶۲).

در دیدگاه صدر در ساحت فردی، عدالت به معنای رعایت حد اعتدال و استقامت در شریعت است و ساحت حیات جمعی در پیوند با جانشینی عام انسان، عدالت اجتماعی متضمن دو رکن توازن اجتماعی و تأمین اجتماعی است. صدر عدالت اجتماعی را دارای دو اصل

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

عمومی می‌داند که عبارتند از: ۱. اصل همکاری عمومی (تکافل عام) و ۲. اصل توازن اجتماعی (صدر، ۱۳۵۰، صص ۳۶۹-۳۶۳).

بهشتی عدالت را از سه دیدگاه معنا می‌کند: عرفی، فلسفی و اخلاقی. عدالت از دیدگاه فلسفی معتدل بودن، به سمتی تجاوز نکردن و پاک بودن از انحراف است. عدالت به معنای عرفی، جلوگیری از تضییع حقوق دیگران است. عدالت به معنای اخلاقی، همان قانون زرین عدالت است. بهشتی در جای دیگر عدالت را اینگونه تعریف می‌کند: میزان بودن انسان در تمام جهات زندگی به طوری‌که هیچگونه تجاوزی در زندگی راه نداشته باشد (بهشتی، ۱۳۷۸، ۱۳۰-۹۰). بهشتی، چارچوب اندیشه‌ای خود در ارتباط با عدالت را در ۸ محور (هدف‌داری جهان، حق الهی بودن عدالت، پیوند فطرت انسان با حق، آزادی انتخاب‌های انسان، فطرت، نظام اجتماعی مسئول عزت نفس انسان‌ها است. امر به معروف، انصاف در عدالت) تنظیم می‌کند (بهشتی، ۱۳۷۸، ۱۹۶، ۱۷۱-۱۷۰، ۱۶۲-۱۶۱، ۱۴۷-۱۴۶، ۷۷-۷۶).

چنانچه می‌بینیم دیدگاه‌ها در این زمینه یکسان نیست. درحالی که با تامل در قران می‌توان دیدگاه حاکم بر قران را دریافت.

آیه ۱۳۵ سوره نسا[۱] می‌فرماید: هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! عمل به عدالت را بپا دارید - از روشن‌ترین مصادیق آن این است که - طبق رضای خدا شهادت دهید، هر چند که به ضرر خودتان و یا پدر و مادرتان و خویشاوندانتان باشد، ثروت توانگر و دلسوزی در حق فقیر وادارتان نسازد به اینکه بر خلاف حق شهادت دهید، چون خدا از تو به آن دو مهربان تر است، پس هوا و هوس را پیروی مکنید که بیم آن هست از راه حق منحرف شوید و بدانید که اگر شهادت را تحریف کنید و یا اصلا شهادت ندهید، خدا بدانچه می‌کنید آگاه است.

از این آیه می‌توان دریافت که عدالت مغایر این است که اموال ثروتمند گرفته و به فقیر داده شود و اینکه در قرآن عدالت مفهومی ورای مهربانی و ترحم به افراد است، در واقع طبق آیه ۱۳۵ سوره نسا عدالت در قرآن به معنای رعایت حقوق همه افراد است. همچنین آیه ۳۹ سوره نجم[۲] و آیه ۷۱ سوره نحل[۳] نیز مشابه این آیه هستند.

---

۱ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلقِسطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَو عَلَىٰٓ أَنفُسِكُم أَوِ ٱلوَٰلِدَينِ وَٱلأَقرَبِينَ إِن يَكُن غَنِيًّا أَو فَقِيرا فَٱللَّهُ أَولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلهَوَىٰٓ أَن تَعدِلُواْ وَإِن تَلوُۥٓاْ أَو تُعرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعمَلُونَ خَبِير.

۲ وَأَن لَّيسَ لِلإِنسَٰنِ إِلَّا مَا سَعَىٰ.

۳ وَٱللَّهُ فَضَّلَ بَعضَكُم عَلَىٰ بَعض فِى ٱلرِّزقِ فَمَا ٱلَّذِينَ فُضِّلُواْ بِرَادِّى رِزقِهِم عَلَىٰ مَا مَلَكَت أَيمَٰنُهُم فَهُم فِيهِ سَوَآءٌ أَفَبِنِعمَةِ ٱللَّهِ يَجحَدُونَ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

آیه ۲۸۲ سوره بقره[۱]: شما ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه به یکدیگر وامی تا مدتی معین دادید آن را بنویسید، نویسنده‌ای در بین شما آن را به درستی بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از آنچه خدایش آموخته دریغ کند، پس حتما بنویسید، باید کسی که حق به عهده او است و بدهکار است، املا کند (نه طلبکار) و باید که از خدا و پروردگارش بترسد و چیزی کم نکند و اگر بدهکار سفیه و یا دیوانه است و نمی‌تواند بنویسد، سرپرستش به‌درستی بنویسد و دو گواه از مردان و آشنایان، به گواهی بگیرید و اگر به دو مرد دسترسی نبود، یک مرد و دو زن از گواهانی که خود شما دیانت و تقوایشان را می‌پسندید، تا اگر یکی از آن دو یادش رفت دیگری به یاد او بیاورد و گواهان هر وقت به گواهی دعوت شدند نباید امتناع ورزند و از نوشتن وام چه به مدت اندک و چه بسیار، ملول نشوید که این نزد خدا درست‌تر و برای گواهی دادن استوارتر و برای تردید نکردن شما مناسب‌تر است، مگر آنکه معامله‌ای نقدی باشد، که ما بین خودتان انجام می‌دهید، پس در ننوشتن آن حرجی بر شما نیست و چون معامله‌ای کردید گواه گیرید و نباید نویسنده و گواه را زیان برسانید و اگر رساندید، ضرری به خودتان است. از خدا بترسید خدا شما را تعلیم می‌دهد که او به همه چیز دانا است.

در این آیه نیز دیده می‌شود که مبنای عدالت در قرآن کریم، حق و به معنای رعایت حقوق اکتسابی و قراردادی افراد است. به همین علت در این آیه به درست نوشتن متن قرارداد و شهادت صحیح برای رعایت حقوق افراد تاکید می‌کند، عدم رعایت حقوق افراد را گناه می‌شمارد و برای آن مجازات درنظر می‌گیرد. بر این پایه می‌توان گفت دیدگاه‌هایی که عدالت را چیزی غیر از رعایت حقوق افراد می‌داند، با قران سازگاری ندارد. یعنی مبنای عدالت در قران حق است و عدالت رعایت حقوق افراد است. درحالی که طالقانی و بهشتی مبنای عدالت را رعایت حقوق همه افراد بیان کرده‌اند، ولی مطهری به صورتی دیگر به مبنای عدالت می‌نگرد و آن را در چهار کلید واژه تساوی، حق، توازن و نفی هرگونه تبعیض تبیین می‌کند. صدر نیز مبنای عدالت را از دریچه عدالت اجتماعی و دو اصل تکافل عام و توازن اجتماعی می‌نگرد. چنانچه ملاحظه می‌شود دیدگاه طالقانی و

---

۱ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيۡنٍ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى فَٱكۡتُبُوهُۚ وَلۡيَكۡتُب بَّيۡنَكُمۡ كَاتِۢبُۢ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَلَا يَأۡبَ كَاتِۢبٌ أَن يَكۡتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُۚ فَلۡيَكۡتُبۡ وَلۡيُمۡلِلِ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ وَلۡيَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ شَيۡـٔٗاۚ فَإِن كَانَ ٱلَّذِي عَلَيۡهِ ٱلۡحَقُّ سَفِيهًا أَوۡ ضَعِيفًا أَوۡ لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلۡيُمۡلِلۡ وَلِيُّهُۥ بِٱلۡعَدۡلِۚ وَٱسۡتَشۡهِدُواْ شَهِيدَيۡنِ مِن رِّجَالِكُمۡۖ فَإِن لَّمۡ يَكُونَا رَجُلَيۡنِ فَرَجُلٞ وَٱمۡرَأَتَانِ مِمَّن تَرۡضَوۡنَ مِنَ ٱلشُّهَدَآءِ أَن تَضِلَّ إِحۡدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحۡدَىٰهُمَا ٱلۡأُخۡرَىٰۚ وَلَا يَأۡبَ ٱلشُّهَدَآءُ إِذَا مَا دُعُواْۚ وَلَا تَسۡـَٔمُوٓاْ أَن تَكۡتُبُوهُ صَغِيرًا أَوۡ كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦۚ ذَٰلِكُمۡ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ وَأَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَرۡتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن تَكُونَ تِجَٰرَةً حَاضِرَةٗ تُدِيرُونَهَا بَيۡنَكُمۡ فَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَلَّا تَكۡتُبُوهَاۗ وَأَشۡهِدُوٓاْ إِذَا تَبَايَعۡتُمۡۚ وَلَا يُضَآرَّ كَاتِبٞ وَلَا شَهِيدٞۚ وَإِن تَفۡعَلُواْ فَإِنَّهُۥ فُسُوقُۢ بِكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱللَّهُۗ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

بهشتی با قران هماهنگ ولی دیدگاه مطهری و صدر در هماهنگی با قران جای تامل دارد.

۲-۳. مبنای حق

در زمینه مبنای حق نیز دیدگاه‌هایی مطرح شده است. طالقانی مبنای حق را شرع مقدس و احکام الهی می‌داند (طالقانی، ۱۳۴۴، ۱۴۷). مطهری بر این نظر است که حق، ریشه در طبیعت و فطرت آدمی دارد و از اینجا به این نتیجه می‌رسد که به صورت ذاتی حق، ذی حق و عدالت وجود دارد و شارع دستورهای خود را موافق آنها تنظیم کرده است (مطهری، ۱۳۸۱، جلد ۶، ۲۰۳-۲۱۶). در واقع عدالت برپایه حقوق واقعی و فطری استوار است و ملاک و مصداق حقوق شریعت و سنت نبوی است (مطهری، ۱۳۷۲، ۳۴۱). می‌توان گفت که منابع کشف آن از نظر مطهری حقوق طبیعی (فطری) (مطهری، ۱۳۷۲، ۴۱)، شریعت قرآن (مطهری، ۱۳۷۷، ۵۹) و سنت نبوی (مطهری، ۱۳۷۲، ۳۴۱) است.

از نظر صدر مبنای حق، حدود شرعی و احکام الهی است (صدر، ۱۳۶۰، ۳۴۰-۳۲۰). از طرف دیگر بهشتی مبنای حق[۱] را، حقوق فطری و دین (بر پایه ۴ ضابطه[۲] علم، عقل، اخلاق و کرامت انسانی) (بهشتی، ۱۳۷۸، صص ۴۷-۴۶ و ۵۵) و شرایط زمان و مکان (بهشتی، ۱۳۷۹، صص ۱۸۷-۶۸) می‌داند.

چنانچه دیده می‌شود در این زمینه نیز تفاوت‌هایی در دیدگاه‌ها وجود دارد. با نگاه به قران می‌توان برخی آیات قران را نشانه‌هایی برای تعیین مبنای حق در قران دانست.

در برخی از آیه‌های قران احکام یا حدود الهی، مبنای حق بیان شده است و در برخی آیات نیز حق طبیعی افراد[۳] مبنا قرار گرفته است. در این زمینه توجه به ۳ آیه زیر راهگشا است.

آیه ۱۲ سوره جاثیه[۴] می‌فرماید: البته همان خدا است که دریا را برای شما مسخرکرد تا کشتی‌ها به امر وی در آن به راه افتند و از فضل خدا کسب کنید، شاید شکرگزار باشید. آیه ۱۰ سوره جمعه[۵] می‌فرماید: و چون نماز به پایان رسد در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوند طلب

---

۱ جهت و هدفی که قرآن برای نظام هستی و آفرینش اعلام کرده است و نظام هستی، نظام عدل است.

۲ آن فهمی از دین اعتبار دارد که با چهار ضابطه علم، عقل، اخلاق و شرایط زمان و مکان تناسب داشته باشد.

۳ که در این مقاله منظور از حق طبیعی با توجه به موضوع مقاله بعد اقتصادی آن به معنای آزادی فعالیت اقتصادی و حق تصرف است.

۴ الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیه بامره ولتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون.

۵ فإذا قضیت الصلوه فأنتشروا فی الارض و اتبغوا من فضل الله و اذکرو لله کثیراً فعلکم تفلحون.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

کنید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. آیه ۱۵ سوره ملک[۱]نیز می‌فرماید: او است آن کس که زمین را برای شما رام کرد، پس در اقطار آن، آمد و شد کنید و از رزق آن بخورید و زنده شدن بار دیگر شما به سوی او است.

از این سه آیه می‌توان دریافت که:

۱- در آیه ۱۲ سوره جاثیه اجازه بهره‌برداری و تصرف در دریاها را برای کسب روزی انسان داده است.

۲- آیه ۱۰ سوره جمعه، مشغول شدن انسان به امور روزانه برای کسب مال است.

۳- رام شدن زمین در آیه ۱۵ سوره ملک اجازه، انسان برای انواع تصرّفات است.

در این آیات می‌توان اجازه و حق بهره‌برداری و همچنین فراهم آوردن شرایط برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، به دست آوردن مال و تملک و انواع تصرّفات (که حق تصرف یکی از حقوق طبیعی انسان است) را به عنوان حق افراد استنباط کرد که این مسأله خود تأکید قرآن بر پذیرش حق طبیعی افراد است.

در آیه ۱۸۷ سوره بقره[۲] حق طبیعی افراد مبنای تغییر حکم روزه قرار می‌گیرد. در این آیه بیان شده است که اینها حدود خدا است. می‌توان گفت در این آیه مبنای حدود الهی حق طبیعی افراد است. براین پایه یک مبنای حق در قرآن، طبیعت انسانی است. آیات ۲۲۹ و ۲۳۰ بقره نیز مشابه این آیه هستند.

برای آیات مستند حدود الهی می‌توان به آیات ۱۸۰، ۱۸۳ و ۲۱۶ سوره بقره و ۳ سوره نسا، اشاره داشت. آیه ۱۸۰ سوره بقره[۳] :بر شما مسلمانان واجب شد که وقتی مرگتان نزدیک می‌شود و مالی از شما می‌ماند برای پدران و مادران و خویشاوندان وصیتی به نیکی کنید این حقی است بر پرهیزکاران. آیه ۱۸۳ سوره بقره[۴]: ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده همانطور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود شاید با تقوا شوید. آیه ۲۱۶ سوره بقره[۵]: قتال بر شما واجب

---

۱ هوالذّی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی مناکبها و کلوا من رزقه و الیه النشور.

۲ أُحِلَّ لَكُم لَيلَةَ ٱلصِّيَامِ ٱلرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُم هُنَّ لِبَاس لَّكُم وَأَنتُم لِبَاس لَّهُنَّ عَلِمَ ٱللَّهُ أَنَّكُم كُنتُم تَختَانُونَ أَنفُسَكُم فَتَابَ عَلَيكُم وَعَفَا عَنكُم فَٱلـَٔـنَ بَشِرُوهُنَّ وَٱبتَغُواْ مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَكُم وَكُلُواْ وَٱشرَبُواْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلخَيطُ ٱلأَبيَضُ مِنَ ٱلخَيطِ ٱلأَسوَدِ مِنَ ٱلفَجرِ ثُمَّ أَتِمُّواْ ٱلصِّيَامَ إِلَى ٱلَّيلِ وَلَا تُبَشِرُوهُنَّ وَأَنتُم عَكِفُونَ فِي ٱلمَسَجِدِ تِلكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَقرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ ءَايَتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُم يَتَّقُونَ.

۳ كُتِبَ عَلَيكُم إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلمَوتُ إِن تَرَكَ خَيرًا ٱلوَصِيَّةُ لِلوَلِدَينِ وَٱلأَقرَبِينَ بِٱلمَعرُوفِ حَقًّا عَلَى ٱلمُتَّقِينَ.

۴ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبلِكُم لَعَلَّكُم تَتَّقُونَ.

۵ كُتِبَ عَلَيكُمُ ٱلقِتَالُ وَهُوَ كُرهٞ لَّكُم وَعَسَىٰٓ أَن تَكرَهُواْ شَيـًٔا وَهُوَ خَيرٞ لَّكُم وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيـًٔا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُم وَٱللَّهُ يَعلَمُ وَأَنتُم لَا تَعلَمُونَ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

شده در حالی که آن را مکروه می‌دارید و چه بسا چیزها که شما از آن کراهت دارید در حالی که خیرتان در آن است و چه بسا چیزها که دوست می‌دارید در حالی که شر شما در آن است و خدا خیر و شر شما را می‌داند و خود شما نمی‌دانید. آیه ۳ سوره نسا[۱]: اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان مراعات عدل و داد نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود در آورید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نپیموده و به آنها ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کرده و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفاء کنید که این نزدیکتر به عدالت و ترک ستمکاری است، که در این چهار آیه مبنای حق در قرآن کریم حدود الهی است.

براین پایه، قرآن عدالت را رعایت حقوق و حقوق طبیعی و احکام الهی را مبنای حق می‌داند. با وجود تفاوت‌هایی در ارایه دیدگاه‌ها از سوی اندیشمندان مسلمان، می‌توان گفت در این زمینه دیدگاه‌های ۴ اندیشمند یاد شده با یکدیگر نزدیک و با قران نیز هماهنگ است. به صورتی که طالقانی شرع و احکام الهی (قرآن، سنت، عقل و عرف)، مطهری حقوق طبیعی (فطری)، شریعت (قرآن) و سنت نبوی، صدر حدود شرعی و احکام الهی و بهشتی حقوق فطری و دین (بر پایه ۴ ضابطه علم، عقل، اخلاق و شرایط زمان و مکان) را مبنای حق می‌دانند. هرچند برخی به حقوق طبیعی اشاره ندارند، ولی چون احکام الهی برپایه حقوق طبیعی ارایه شده است، می‌توان گفت این احکام، حقوق طبیعی مالکیت را دربر می‌گیرد. از این‌رو می‌توان گفت این ۴ دیدگاه در این زمینه با قرآن ناسازگاری ندارند.

۳-۳. حدود حق در مالکیت

در زمینه حدود حق مالکیت، اندیشمندان مسلمان دیدگاه‌های متفاوتی دارند. از جمله طالقانی، مالکیت را به معنای اختیار و حق تصرف نسبت به چیزی می‌داند که در تصرف و تملک اشخاص می‌باشد (طالقانی، ۱۳۴۴، ۷). او بر این نظر است که خداوند متعال در آیاتی با صراحت حق مالکیت مطلق هرگونه تصرف، تسخیر، جعل و وضع را برای خود و حق بهره‌گیری و تصرف محدود را برای مردم به عنوان جانشینان خود در زمین قرار داده است (همان، صص ۱۲۲-۱۲۳). از نظر وی ایجاد مالکیت جز با کار و فعالیت اقتصادی امکان‌پذیر نیست، البته در صورت اقدامات اولیه و ریزش کاری که موجب احیای زمین گردد، تنها در حق انتفاع بر دیگران مقدم می‌شوند و نه اینکه این منابع از ملکیت عمومی خارج شوند (همان، ص ۱۵۵). حق مالکیت خصوصی به مقیاس عمل، از حق انتفاع

---

۱ وَإِن خِفتُم أَلَّا تُقسِطُواْ فِی ٱلۡیَتَٰمَىٰ فَٱنكِحُواْ مَا طَابَ لَكُم مِّنَ ٱلنِّسَاءِ مَثۡنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ فَإِن خِفتُم أَلَّا تَعدِلُواْ فَوَٰحِدَةً أَو مَا مَلَكَت أَیمَٰنُكُم ذَٰلِكَ أَدنَىٰ أَلَّا تَعُولُواْ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

و استثمار منابع شروع می‌شود و در معاملات و مبادلات محدود به احکام می‌گردد. در واقع شرط مالکیت خصوصی ریزش کار و فعالیت اقتصادی است و تا زمانی که دچار چالش‌هایی از جمله تمرکز بی‌رویه ثروت، سفاهت و عدم بلوغ و خارج کردن اموال از جایگاه قوامی خود نشود، محترم شمرده خواهد شد (نقره، ۱۳۸۹، صص ۳۹۶-۳۹۷). در واقع از نگاه طالقانی مالکیت خصوصی، محدود، مقید، عاریتی و تفویضی است (طالقانی، ۱۳۴۴، ۱۴۶).

در این زمینه مطهری بیان کرده است اسلام در عین اینکه دینی اجتماعی است و به جامعه می‌اندیشد و فرد را مسئول جامعه می‌شمارد، حقوق و آزادی‌های فرد را نادیده نمی‌گیرد و فرد از نظر اقتصادی حق مالکیت بر محصول کار خود و حق معاوضه و معامله و صدقه و وقف و اجاره، مزارعه و مضاربه و مانند اینها را در دارایی شرعی خود دارد (فراهانی فرد، ۱۳۸۳، ۲۳۴). اسلام نه با قبول مالکیت عمومی در مثال‌هایی مانند انفال، مالکیت فردی را به‌طور مطلق طرد کرده است و نه با قبول مالکیت فردی، مالکیت عمومی را نفی کرده است. در آن‌جا که پای کار افراد و اشخاص است، مالکیت فردی را معتبر می‌شمارد و در آن‌جا که پای کار افراد و اشخاص نیست، مالکیت جمعی را معتبر می‌شمارد. او مالکیت خصوصی را نیز محدود می‌داند و بیان می‌کند که کسی نباید گمان کند که اگر مالک مالی باشد، اختیار مطلق دارد و می‌تواند آن را حبس کند، زیرا خداوند انسان را فاعل و منابع اولیه را قابل آفریده است و این قوه فاعلی خواسته است که از آن ماده قابله استنتاج نماید (مطهری، ۱۳۷۵، صص ۱۸۸-۱۸۷). در جایی دیگر مطهری در ارتباط با حدود مالکیت بیان می‌کند که اسلام مالکیت‌های فردی و شخصی سرمایه‌های طبیعی و صناعی را نمی‌پذیرد (با این استدلال که ماشین‌آلات و اختراعات، حاصل نبوغ بشر است و آثار نبوغ نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد) و مالکیت اینها را عمومی می‌داند (مطهری، ۱۳۶۱، ۱۳۸-۱۳۶).

صدر بر این نظر است که دو قید، مانع مطلق بودن مالکیت خصوصی می‌شود. قید نخست، شخصی و درونی است و برگرفته از ارزش‌های اخلاقی مشارکت در ثروت است. این ارزش‌ها از حیطه حکم و جبر حکومت خارج هستند. قید دوم، عینی و واقعی و بیرونی برای آزادی‌های اقتصادی و اجازه تصرف است که بر دو پایه بنا شده است: یکی ممنوعیت همه فعالیت‌هایی که بازدارنده تثبیت ارزش‌های اسلامی هستند، مانند حرمت ربا، احتکار، کنز، تکاثرطلبی، ثروت اندوزی، سفته‌بازی و حیله در معامله و تملک درآمد آنها و دیگری پایه محدودیت‌های بیرونی است که نظارت حکومت اسلامی بر فعالیت‌های اقتصادی و وضع مقررات در این راستا می‌باشد (صدر، ۱۳۸۶، ۱۰).

بهشتی نیز درباره حدود مالکیت، اینگونه توضیح می‌دهد: اسلام از نظر جهان‌بینی و ایدئولوژی از نظر نظام عقیدتی و رفتاری بر آزادی انسان تأکید دارد. اصل این است که انسان آزاد بماند و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

آزادی او محدود نشود، مگر محدودیت‌هایی که اگر رعایت نشود، به آزادی واقعی خود او یا حقوق دیگران لطمه می‌زند (بهشتی و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۸). مالکیت خصوصی در شکل فردی، در شکل گروهی (شرکت سهامی) و در شکل گروهی دیگر (تعاونی) هیچ مانع موجه اقتصادی ندارد، مگر اینکه این اجازه تصرف و مالکیت به حقوق دیگران لطمه بزند یا زمینه‌ساز فساد در جامعه شود.

درباره حدود حق مالکیت در قران برای برخی افراد بخشی از حقوق مالکیت محدود شده است. نمونه آنها در ادامه آمده است:

محدودیت مالکیت کودکان. آیه ۶ سوره نساء می‌فرماید یتیمان را آزمایش نمایید تا هنگامی که بالغ شده و تمایل به نکاح پیدا کنند، آن‌گاه اگر آنان را دانا به درک مصالح زندگی خود یافتید اموالشان را به آنها بدهید و بدین اندیشه که مبادا کبیر شوند و اموالشان را از شما بگیرند، به اسراف و عجله مال آنها را حیف و میل نکنید. اولیای یتیم به کلی از هرگونه تصرف در مال یتیم خودداری کنند و هرکس فقیر است در مقابل نگهبانی آن مال به قدر متعارف ارتزاق کند. پس آنگاه که یتیمان بالغ شدند و مالشان را رد کردید، هنگام رد مال باید گواه بگیرید برای حکم ظاهر، ولی در باطن علم حق و گواهی خود کافی است[۱]. از این آیه می‌توان دریافت: یتیم مالک اموال خود است و بلوغ و رشد عقلی یکی از عوامل محدودیت اختیار تصرف است و تا پیش از بالغ شدن، برخی از اختیارات مالکیت کودکان معلق است. آیه ۲ سوره نسا، آیه ۱۵۲ سوره انعام و آیه ۳۴ سوره اسرا نیز مانند این آیه هستند.

محدودیت مالکیت سفیه. آیه ۵ سوره نساء می‌فرماید اموالی که خدا قوام زندگانی شما را به آن مقّرر داشته به تصرف سفیهان مدهید و از مالشان به قدر لزوم (نفقه و لباس) بدهید و برای آن که آنها آزار نبینند به گفتار خوش آنان را خرسند کنید[۲]. از این آیه می‌توان دریافت: یکی از شرایط اختیارات کامل مالکیت، بلوغ عقلی است.

محدودیت درآمدهای ممنوع و حرام در قرآن (ربا). آیه ۲۷۵ و ۲۷۶ ربا و درآمد آن را حرام کرده و اعلام داشته معامله مجاز است. آنچه درباره مالکیت و محدودیت آن از این آیه‌ها برداشت می‌شود: یکی اینکه معامله یکی از مسیرهای تحقق مالکیت بر شیء است. و دیگری اینکه ربا دهنده مالک منابع حاصل از مال که از مسیر ربا به‌دست می‌آید نمی‌باشد.

محدودیت معامله کالاهای ممنوعه و حرام. آیه ۶ سوره لقمان می‌فرماید بعضی از مردم گفتار

۱و ابتلوا الیتمی حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم و لا تاکلوها اسرافا و بدارا ان یکبروا و من کان غنیا فلیستعف و من کان فقیرا فلیاکل بالمعروف فاذا دفعتم الیهم اموالهم فاشهدوا علیهم و کفی بالله حسیبا.

۲ و لا توتوا السفهاء اموالکم التی جعل الله لکم قیما و ارزقوهم فیها و اکسوهم وقولوا لهم قولا معروفا.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

بازیچه را می‌خرند، تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را مسخره گیرند. آنان عذابی خفت‌آور دارند[۱]. آیه ۲۱۹ سوره بقره نیز می‌فرماید از تو حکم شراب و قمار را می‌پرسند بگو در آن دو گناهی است بزرگ و منافعی است برای مردم اما اثر سوء آن دو در دل‌ها بیش از منافع صوری آنها است و . . . خدا اینچنین آیات را برایتان بیان می‌کند تا شاید تفکر کنید[۲].

محدودیت معاملات باطل. آیه ۱۸۸ سوره بقره می‌فرماید و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمایید، با اینکه می‌دانید این عمل حرام است[۳]. از این آیه می‌توان این‌گونه برداشت کرد که انسان بر مال خود تسلط دارد. این از حقوق مالکیت است و اینکه معاملات و قراردادهای باطل منجر به انتقال مالکیت نمی‌شوند.

آیه ۲۹ سوره نسا می‌فرماید هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آن که تجارتی باشد ناشی از رضایت طرفین و یکدیگر را به قتل نرسانید، خدای شما مهربان است[۴]. این آیه اشاره دارد که رضایت طرفین در قرارداد یکی از محدودیت‌های تحقق مالکیت خصوصی می‌باشد و درصورت عدم رضایت طرفین معامله، قرارداد باطل است.

بر این پایه می‌توان گفت درباره حدود مالکیت، قرآن به انسان اجازه کامل و حق بهره‌برداری، فعالیت اقتصادی و تصرف را داده است (برپایه آیه‌های ۱۲ جاثیه، ۱۰ جمعه و ۱۵ ملک)، مگر در موارد استثنا (ضعف عقل، یتیم، صغیر، کالاهای ممنوعه یا موارد حرام یا عدم رضایت خریدار و فروشنده) که بیشتر برای حفظ حقوق مالکیت است. بهشتی نیز هیچ مانع موجهی برای محدود کردن آزادی اقتصادی و پذیرش مالکیت خصوصی نمی‌پذیرد، مگر اینکه این آزادی و اجازه تصرف، به حقوق دیگران لطمه بزند یا زمینه‌ساز فساد شود. صدر حدود مالکیت را محدودتر می‌داند و آن را در چارچوب منابع کلی شریعت اسلام و اصل اشراف ولی امر بر فعالیت عمومی و اصل دخالت دولت در کنار قاعده لاضرر و تسلیط تعریف می‌کند. مطهری محدودیت را بیشتر و سرمایه‌های طبیعی و صناعی را خارج از مالکیت خصوصی و در دامنه مالکیت اشتراکی می‌داند. طالقانی نیز، بیان می‌کند مالکیت خصوصی تا زمانی محترم است که دچار چالش‌هایی مانند تمرکز بی‌رویه ثروت، سفاهت،

---

۱ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشتَرِى لَهوَ ٱلحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيرِ عِلم وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَـٰئِكَ لَهُم عَذَاب مُّهِين.

۲ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.

۳ و لا تاكلو اموالكم بينكم بالبطل و تدلوا بها إلى الحكام لتاكلوا فريقا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون.

۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

عدم بلوغ و خروج اموال از جایگاه قوامی خود نشود. در واقع وی مالکیت خصوصی را محدود، مقید، عاریتی و تفویضی می‌داند. چنانچه مشاهده می‌شود دیدگاه بهشتی با قران سازگار است، ولی دیدگاه‌های دیگر با قرآن هماهنگ به نظر نمی‌رسد.

۴-۳. عدالت در مالکیت

درباره عدالت در مالکیت نیز دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان یکسان نیست. برپایه دیدگاه طالقانی، آیات قرآن عدالت را در دو محور مالکیت و توزیع اموال و درآمدها (توازن، تعادل در سطح زندگی و کسب درآمد و ثروت متناسب با شایستگی‌ها) توضیح می‌دهد (طالقانی، ۱۳۶۲، جلد ۵، ص ۵۳). برپایه دیدگاه او، اگر حقوق مالکیت با ابزار احکام الهی، تنظیم و در عمل رعایت شود، عدالت در مالکیت برقرار شده است (طالقانی، ۱۳۴۴، ۱۴۷). یعنی احکام الهی مبنای عدالت و عدالت در مالکیت است.

در این زمینه مطهری حق مالکیت را غریزی می‌داند و بر این عقیده است که کار و ایجاد و تملیک و بخشش موجد طبیعی و غریزی مالکیت هستند. ولی اجتماع بشری یک سلسه مقررات موضوعه ایجاب می‌کند. بیان می‌کند که مالکیت باید بر محور قانون مشخص شود که قانون نیز باید تابع عدالت باشد (مطهری، ۱۳۷۵، صص۵۴-۵۲). می‌توان گفت از دیدگاه مطهری اگر حقوق مالکیت برپایه شریعت اسلام (قرآن و سنت نبوی) تنظیم و رعایت گردد، عدالت در مالکیت نیز برقرار می‌شود.

صدر تملک برپایه کار را حق غریزی انسان می‌داند، ولی معتقد است حقوقی که به این مالکیت تعلق می‌گیرد توسط اسلام تعیین می‌شود (صدر، ۱۳۶۰، ۳۴۰-۳۲۰). اسلام حدود عدالت را روشن ساخته و قوانین مبتنی بر آن را در زمینه تولید، توزیع و داد و ستد وضع نموده و هرگونه کج روی را نسبت به آن و حدودی که برای عدالت تعیین شده، ظلم و تجاوز به حقوق دیگران خوانده است (صدر، ۱۳۵۵، صص ۱۷۶-۱۶۶). می‌توان گفت در دیدگاه صدر، اگر در جامعه قوانین اسلام (حدود شرعی و احکام الهی) در زمینه مالکیت تعریف و به نظارت دولت اسلامی مجهز شود، عدالت در مالکیت برقرار شده است (صدر، ۱۳۶۰، ۲۷۴-۲۷۳، ۳۳۳-۳۳۴).

بهشتی عدالت در مالکیت را از طریق موضوع‌هایی مانند مسئولیت تعیین نقش و سهم انسان از خلق ارزش افزوده، مسئولیت تعیین سهم هر نسل از مواهب خدادادی موجود، تعیین ارزش مبادله، مساله قیمتگذاری، عدالت در مصرف و درهم‌تنیدگی سمت‌گیری‌های معطوف به عدالت با موضوع کارآیی و بهره‌وری توضیح می‌دهد. یعنی عدالت از این راه‌ها در مالکیت برقرار می‌شود (بهشتی، ۱۳۷۳، ۷۵-۱۳). برابر دیدگاه او، اگر حقوق مالکیت در چارچوب دین (بر پایه ۴ ضابطه علم، عقل،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

اخلاق و شرایط زمان و مکان) تنظیم شود، از راه‌های یاد شده عدالت را در مالکیت برقرار می‌کند (بهشتی، ۱۳۹۷، ۷۲-۳۴ و ۲۰۰-۱۷۰).

در قران، آیه ۱۰۶ سوره مائده[۱] می‌فرماید ای کسانی که ایمان آوردید شهادتی که برای یکدیگر در حال احتضار و هنگام ادای وصیت تحمل می‌کنید می‌باید که دو تن از شما یا دیگران آن را تحمل کنند و اگر مصیبت مرگ، شما را در سفر پیش آید و دو نفر مسلمان نیافتید تا وصیت شما را تحمل کنند، دو نفر از کفار را شاهد بگیرید و در صورتی که ورثه درباره این دو شاهد سوء ظنی داشتند آنان را بعد از نماز بخواهید سوگند یاد کنند که ما شهادت خود را به‌منظور سود مادی اگر چه رعایت جانبداری از خویشان باشد تحریف نکرده و شهادت خدای را کتمان نکرده‌ایم. چه می‌دانیم که اگر چنین کنیم از گنه‌کاران خواهیم بود. از این آیه می‌توان دریافت که عدالت سنگ (رعایت حق دیگران) زیربنای مالکیت (حق تصرف) است.

آیه ۱۳۵ سوره نسا[۲] (که ترجمه آن پیش تر در بحث مبنای عدالت آمده است): از این آیه نیز براساس توصیه به شهادت صحیح می‌توان دریافت که عدالت سنگ زیربنای مالکیت است.

آیه ۱۸۸ سوره بقره[۳]: و اموال خود را در بین خود به باطل مخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف رشوه و گناه سرازیر ننمایید با اینکه می‌دانید این عمل حرام است. از این آیه می‌توان این‌گونه برداشت کرد که حق آن است که اختیار مال انسان در دست خودش باشد و دیگران در آن تصرفی نکنند. این نکته در موضوع حق تصاحب قابل تعریف است و اینکه معاملات و قراردادهای باطل منجر به انتقال مالکیت نمی‌شوند و اینگونه قراردادهای باطل و رشوه و مانند اینها مصداق عدم رعایت حق در مالکیت است.

آیه ۲۸۲ سوره بقره[۴] (که ترجمه آن پیش تر در بحث مبنای عدالت آمده است): از این آیه که

---

۱ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ شَهَٰدَةُ بَينِكُم إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ ٱلمَوتُ حِينَ ٱلوَصِيَّةِ ٱثنَانِ ذَوَا عَدلٍ مِّنكُم أَو ءَاخَرَانِ مِن غَيرِكُم إِن أَنتُم ضَرَبتُم فِى ٱلأَرضِ فَأَصَٰبَتكُم مُّصِيبَةُ ٱلمَوتِ تَحبِسُونَهُمَا مِن بَعدِ ٱلصَّلَوٰةِ فَيُقسِمَانِ بِٱللَّهِ إِنِ ٱرتَبتُم لَا نَشتَرِى بِهِۦ ثَمَنا وَلَو كَانَ ذَا قُربَىٰ وَلَا نَكتُمُ شَهَٰدَةَ ٱللَّهِ إِنَّا إِذا لَّمِنَ ٱلأَثِمِينَ.

۲ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُونُواْ قَوَّٰمِينَ بِٱلقِسطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَو عَلَىٰٓ أَنفُسِكُم أَوِ ٱلوَلِدَينِ وَٱلأَقرَبِينَ إِن يَكُن غَنِيًّا أَو فَقِيرا فَٱللَّهُ أَولَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلهَوَىٰٓ أَن تَعدِلُواْ وَإِن تَلوُۥٓاْ أَو تُعرِضُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعمَلُونَ خَبِيرا.

۳ و لا تاكلو اموالكم بينكم بالبطل و تدلوا بها إلى الحكام لتاكلوا فريقا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون.

٤ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا تَدَايَنتُم بِدَينٍ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمّى فَٱكتُبُوهُ وَليَكتُب بَّينَكُم كَاتِبُۢ بِٱلعَدلِ وَلَا يَأبَ كَاتِبٌ أَن يَكتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ ٱللَّهُ فَليَكتُب وَليُملِلِ ٱلَّذِى عَلَيهِ ٱلحَقُّ وَليَتَّقِ ٱللَّهَ رَبَّهُۥ وَلَا يَبخَس مِنهُ شَيـًٔا فَإِن كَانَ ٱلَّذِى عَلَيهِ ٱلحَقُّ سَفِيهًا أَو ضَعِيفًا أَو لَا يَستَطِيعُ أَن يُملَّ هُوَ فَليُملِل وَلِيُّهُۥ بِٱلعَدلِ وَٱستَشهِدُواْ شَهِيدَينِ مِن رِّجَالِكُم فَإِن لَّم يَكُونَا رَجُلَينِ فَرَجُل وَٱمرَأَتَانِ مِمَّن تَرضَونَ مِنَ ٱلشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحدَىٰهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحدَىٰهُمَا ٱلأُخرَىٰ وَلَا يَأبَ ٱلشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُواْ وَلَا تَسـَٔمُوٓاْ أَن تَكتُبُوهُ صَغِيرًا أَو كَبِيرًا إِلَىٰٓ أَجَلِهِۦ ذَٰلِكُم أَقسَطُ عِندَ ٱللَّهِ وَأَقوَمُ لِلشَّهَدَةِ وَأَدنَىٰٓ أَلَّا تَرتَابُوٓاْ إِلَّآ أَن

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

اشاره به نوشتن به عدل، قرارداد مالی، حق و درست را نوشتن و شهادت صحیح دارد می‌توان دریافت که عدالت سنگ بنای حقوق مالکیت (حق تصرف و بهره‌برداری اموال) است.

می‌توان گفت برپایه آیات قرآن، عدالت از طریق رعایت حق مالکیت بر دارایی (آیات ۱۳۵ نسا، ۷۱ نحل و ۳۹ نجم)، آزادی افراد برای حق تصرف در دارایی‌شان (آیات ۱۲ جاثیه، ۱۰ جمعه و ۱۵ ملک)، انعطاف‌پذیری نظام حقوقی جهت صیانت از حقوق مالکیت افراد و حفظ امنیت اقتصادی افراد (آیات ۲۸۲ سوره بقره، ۱۸۸ بقره، ۱۵۲ انعام و ۳۴ سوره ابراهیم و ۱۰۶ سوره مائده) در ساختار مالکیت جای می‌گیرد. با این وجود اندیشمندان مسلمان دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه ارایه کرده‌اند.

جدول ۱. تطبیق دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان با قرآن

دیدگاه	سید محمود طالقانی	مرتضی مطهری	محمدباقر صدر	سید محمد حسینی بهشتی	قرآن کریم
مبنای عدالت	احکام الهی و تعریف حق مبنای عدالت .	مساوات، حق و توازن و نفی هرگونه تبعیض	در عدالت اجتماعی اصل همکاری عمومی (تکافل عام) و اصل توازن اجتماعی	از دیدگاه فلسفی: معندل بودن، به سمتی تجاوز نکردن و پاک بودن از انحراف، به معنای عرفی: جلوگیری از تضییع حقوق دیگران و به معنای اخلاقی: قانون زرین عدالت.	رعایت حقوق همه افراد
حدود مالکیت	مالکیت خصوصی، محدود، مقید، عاریتی و تفویضی است.	علاوه بر حدود احکام، سرمایه‌های طبیعی و ماشین‌آلات	عوامل محدود کننده مالکیت دو دسته است: درونی اخلاقی فردی و عینی	محدودیت مالکیت خصوصی این است که به آزادی دریگران لطمه بزند و زمینه ساز فساد جامعه شود.	فعالیت‌های اقتصادی و تصرفات و مالکیت خصوصی تا جایی آزاد است که موارد استثناء پیش نیاید

تَكُونَ تِجَرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَينَكُم فَلَيسَ عَلَيكُم جُنَاحٌ أَلَّا تَكتُبُوهَا وَأَشهِدُوا إِذَا تَبَايَعتُم وَلَا يُضَارَّ كَاتِب وَلَا شَهِيد وَإِن تَفعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُم وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيءٍ عَلِيم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

		اشتراکی و عمومی است.	واقعی بیرونی (قاعده لاضرر و تسلیط)		
مبنای حق	شرع مقدس و احکام الهی (قرآن، سنت، عقل و عرف).	حقوق طبیعی (فطری) ، شریعت (قرآن) و سنت	حدود شرعی و احکام الهی	حقوق فطری و دین بر پایه ۴ ضابطه علم، عقل، اخلاق	حق طبیعی افراد و حدود احکام
عدالت در مالکیت	با تنظیم حقوق مالکیت با ابزار احکام الهی و عمل با آن بر دو محور توزیع اموال و درآمدها، عدالت در مالکیت برقرار می‌شود.	عدالت در مالکیت با برقراری حقوق فطری و مبتنی بر شریعت و سنت نبوی برقرارمی‌شود.	اگر حقوق مالکیت درچارچوب قوانین اسلام تعریف و به نظارت دولت اسلامی مجهز شود، عدالت در مالکیت برقرار شده است.	عدالت از طریق ، مسئولیت تعیین سهم هر نسل از مواهب خدادای موجود، مسئولیت تعیین نقش انسان از خلق ارزش افزوده و عدالت در مصرف، در مالکیت نیز برقرار می شود.	عدالت از طریق حق مالکیت بر دارایی ، آزادی فعالیت، حق تصرف دارایی، انعطاف پذیری نظام حقوقی، صیانت از حقوق افراد و حفظ امنیت در ساختار مالکیت برقرای می‌شود.

منبع: یافته های پژوهش

۴. جمع بندی

این بررسی، با هدف استخراج و ارایه دیدگاه قران در زمینه عدالت در مالکیت انجام شد. یک مساله مهم در این زمینه نیز آن است که آیا دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان با قرآن هماهنگی دارد؟ قران مبنای درست دیدگاه دینی است. اختلاف دیدگاه‌های موجود در زمینه عدالت در مالکیت نشان دهنده این است که همه اینها نمی‌توانند درست باشند. این بررسی در چهار بعد مبنای عدالت، مبنای حق، حدود مالکیت و عدالت در مالکیت نشان می‌دهد:

درباره مبنای عدالت می‌توان گفت در قرآن عدالت به معنای رعایت حقوق افراد است. دیدگاه ارایه شده بهشتی و طالقانی نیز در این زمینه با قران هماهنگ است. دو اندیشمند دیگر نظرات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

متفاوتی ارایه کرده‌اند. صدر از زاویه عدالت اجتماعی مبنای عدالت را بر اساس دو اصل تکافل عامه و اصل توازن اجتماعی و مطهری عدالت را ب پایه چهار مفهوم مساوات، حق و توازن و نفی هرگونه تبعیض تعریف می‌کند که هماهنگی کمتری با نص قران دارند.

درباره حدود مالکیت قرآن آزادی کامل فعالیت‌های اقتصادی و اجازه دخل و تصرف در منابع و دارایی‌ها را به انسان داده است و محدودیت‌های اندک مالکیت خصوصی مطرح شده در قران تنها برای حفظ مالکیت خصوصی است. دیدگاه بهشتی این است که مالکیت خصوصی چه در سطح فردی و چه سطح گروهی هیچ مانع موجهی ندارد، مگر اینکه، حقوق دیگران در جامعه را ضایع کند یا سبب فساد در جامعه شود که با برداشت از قران هماهنگ است. ولی صدر این حدود را محدود به منابع کلی شریعت و اصل شرافت ولی و مداخله دولت بیان می‌کند. مطهری مالکیت خصوصی را می‌پذیرد با محدودیت ممنوعیت بر کالاها و سرمایه‌های طبیعی و ماشین‌آلات که باید در مالکیت همگانی و اشتراکی باشند. طالقانی شرط مالکیت خصوصی را ریزش کار و فعالیت اقتصادی معرفی می‌کند و بیان می‌نماید تا زمانی که مالکیت خصوصی دچار چالش‌هایی مانند تمرکز بی‌رویه ثروت، سفاهت یا عدم بلوغ مالک و خارج کردن اموال از جایگاه قوامی خود نشود، محترم شمرده خواهد شد، در واقع مالکیت خصوصی از نظر وی، محدود، مقید، عاریتی و تفویضی است.

درباره مبنای حق، می‌توان گفت تقریبا دیدگاه‌های ارایه شده نزدیک به هم و سازگار با قران است. در احکام قران حقوق طبیعی نیز درنظر گرفته شده است. از این رو اگر گفته شود احکام الهی (قران) مبنای حقوق است نیز می‌تواند درست و با اندکی اغماض با قران سازگار دانسته شود. البته در قران منظور از احکام الهی تنها احکام قران است. سنت، عقل بشری و اجماع، حکم الهی (قرانی) نیست، هرچند استفاده از علم و عقل در وضع قوانین اجتماعی و شخصی بشری حق مردم است.

درباره عدالت در مالکیت دیدگاه‌های متفاوتی به چشم می‌خورد. طالقانی با تاکید بر آزادی عمل و بهره‌برداری منابع طبیعی و جریان پول به وسیله مبادله، بیان می‌کند که اگر حقوق مالکیت بر اساس ابزار احکام الهی (قرآن، سنت، عقل و عرف) تنظیم و در عمل با محور توزیع برابرتر دارایی و درآمد رعایت شود، عدالت در مالکیت برقرار شده است. مطهری بیان می‌کند حقوق مالکیت باید بر محور قانون مشخص شود که این قانون باید تابع عدالت باشد. ملاک و مصداق ارزیابی آن شریعت و سنت نبوی است. صدر معتقد است رعایت حقوق اسلامی در مالکیت (حدود شرعی و احکام الهی) عدالت در مالکیت را برقرار می‌کند. بهشتی نیز بیان می‌کند که اگر حقوق مالکیت در چارچوب دین (بر پایه ۴ ضابطه علم، عقل، اخلاق و شرایط زمان و مکان) تنظیم گردد، عدالت از راه‌های مسئولیت تعیین سهم هر نسل از مواهب خدادای موجود، مسئولیت تعیین نقش و سهم انسان از خلق ارزش افزوده، تعیین ارزش مبادله، قیمتگذاری، عدالت در مصرف، درهم تنیدگی سمت‌گیری‌های معطوف به عدالت با موضوع کارآیی و بهره‌وری، در مالکیت نیز برقرار می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

قرآن نیز بیان می‌کند که عدالت از راه‌های حق مالکیت بر دارایی، آزادی اقتصادی افراد در حق تصرفشان، انعطاف‌پذیری نظام حقوقی جهت صیانت از حقوق افراد و حفظ امنیت اقتصادی افراد، در ساختار مالکیت حاکم بر جامعه شکل می‌گیرد.

می‌توان گفت این دیدگاه‌ها در ابعادی تفاوت‌های زیادی دارند. باید پذیرفت نمی‌توان دیدگاه‌های ناهماهنگ با قرآن اندیشمندان مسلمان را به اسلام نسبت داد. تنها اگر دیدگاه آنها با قران هماهنگ باشد با داشتن شرایط دیگر شاید بتوان به آن قید اسلامی داد.[۱]

۱- پیامبر اکرم (ص) نقل است: اذجاء کم عنی حدیث فاعرضو علی کتاب الله تعالی فما و افق کتاب الله فاتبلوه و ما خالفه فاضربوا به عرض الحائط – فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، چاپ اول. هرگاه حدیثی از من به شما برسد آن را به کتاب خداوند عرضه کنید، آنچه از دل آن موافق قرآن بود بپذیرید و آنچه مخالف بود، به دیوارش بکوبید.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

منابع

۱. اخلاقی، رحمت‌الله (۱۴۰۰) عدالت اجتماعی از منظر روایات، *معارف اسلامی و اقتصاد*، ۱۳، صص ۸۷-۱۰۷.

۲. اخوان طبسی و داوری (۱۳۹۷) صورت‌بندی مفهوم عدالت در قرآن کریم، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ۱۳، صص ۱۰۷-۱۲۸.

۳. امین مقدسی، ابوالحسن و افصحی، نفیسه (۱۴۰۲)، واکاوی معناشناختی عدالت در قرآن کریم، *ادب عربی*، ۱۵(۱)، پیاپی ۳۵، صص۴۳-۶۰.

۴. باادب برزگر، اعظم، کاظمی تبار، محمد علی (۱۴۰۰)، معناشناسی عدل در قرآن کریم، *همایش تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن*، ۱، صص ۱۰۸-۲۰۲.

۵. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۹) بایدها و نبایدها، چاپ اول، انتشارات بقعه.

۶. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۷) نظام اقتصادی در اسلام (مباحث کاربردی)، انتشارات روزنه.

۷. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۸) حق و باطل، بنیاد نشر و آثار اندیشه‌های شهیدبهشتی.

۸. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۳) اقتصاد اسلامی ۱، چاپ ۵، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

۹. بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰) آزادی، هرج و مرج، زورمداری، بنیاد نشر آثار اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی.

۱۰. پورمولا، سیدمحمدهاشم، غلامی، مرجان و بن‌زاده، راضیه (۱۳۹۴) معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم، *پژوهش‌های قران و حدیث*، سال ۴۸: ۱، صص ۱-۲۳.

۱۱. پورابراهیم، شیرین، ابراهیمی، ابراهیم و زهرا مواظبی (۱۴۰۱) معناشناسی رابطه مالکیت در قرآن کریم، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی_قرآنی*، دوره ۱۰: ۲، پیاپی ۳۸، صص ۷۵-۵۱.

۱۲. خسروپناه، عبدالحسین، پورعزت، علی اصغر، محمدنژادچاوشی، حبیب (۱۳۹۳) وسعت معنایی عدالت در قرآن، *فصلنامه مطالعات تفسیری*، ۵(۱۷)، صص ۴۹-۷۴.

۱۳. خوش فر، محسن و رحمانی راحله (۱۴۰۰) الگوی عدل الهی با تکیه بر تفاسیر المیزان و اطیب البیان، *نشریه تحقیقات کلامی*، ۳۳، صص ۴۱-۵۷.

۱۴. دهش‌ور، مسعود، مقدسی، محمود و حمیدرضا شیرازی (۱۳۶۶) طرح و مبانی اقتصاد در قرآن، چاپ اول.

۱۵. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۴۴) اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب، چاپ چهارم، شرکت سهامی انتشار.

۱۶. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۰). اقتصادنا، ترجمه ع. اسپهبدی، ج۲، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱۷. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۰) بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ج ۱، ترجمه محمد کاظم موسوی، تهران، برهان و موسسه انتشارات اسلامی.

۱۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۵۵) اسلام و مکتب‌های اقتصادی، ترجمه محمد نبی‌زاده، قم، چاپ مهر.

۱۹. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۶) تأملی بر اقتصاد اسلامی، *پگاه حوزه*، ۲۰۵.

۲۰. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳)، ترجمه تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول، قم، مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.

۲۱. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۶۲) پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار.

۲۲. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۸۸) مباحث اقتصادی، شرکت سهامی انتشار.

۲۳. طالقانی، سیدمحمود (۱۳۴۴) اسلام و مالکیت در مقایسه با نظام‌های اقتصادی غرب، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.

۲۴. عزتی، مرتضی (۱۳۹۳) تدوین شاخص ترکیبی عدالت بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سنجش آن طی یک دوره هشت ساله، *راهبرد اقتصادی*، ۳(۱۰)، صص ۲۰۵-۲۴۱.

۲۵. عزتی، محمدجواد و عزتی، مرتضی و مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰)، تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران، *سیاستهای راهبردی و کلان*، ۹(۳)، صص ۶۳۱-۶۱۰.

۲۶. عزتی، مرتضی (۱۴۰۳) عدالت در قران و ابعاد اقتصادی آن، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۴۸، صص ۱۱۱-۱۴۲.

۲۷. عزیزی، زهرا و جواد معین (۱۴۰۱) تحلیل معناشناسی واژه ملک در قرآن کریم، *مطالعات نوین علوم انسانی در جهان*، جلد ۳، ۴، صص ۸۸- ۷۸.

۲۸. علویان، مرتضی و جمال مختاری (۱۳۹۶). مسئله عدالت در آرای جان رالز و شهید بهشتی، *فصلنامه سیاست*، ۴(۱۳)، صص ۱۲۰-۱۰۹.

۲۹. فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۳) اندیشه اقتصادی شهید مطهری، *فصلنامه قبسات*، ۳۰ و ۳۱، صص ۲۵۲-۲۲۳.

۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) مجموعه آثار، ج ۱، انتشارات صدرا.

۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) نظری به نظام اقتصاد اسلام، انتشارات صدرا، چاپ ششم.

۳۲. مطهری، مرتضی (۱۴۰۳) بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، انتشارات حکمت، تهران.

۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱) عدل الهی، انتشارات صدرا.

۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳) بیست گفتار، انتشارات صدرا.

۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مجموعه گفتارها (۱)، انتشارات صدرا.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) سیری در نهج‌البلاغه، انتشارات صدرا.

۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا.

۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱) یادداشت‌ها، ج ۳ و ۶، چاپ اول، انتشارات صدرا.

۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا.

۴۰. معلمی، سیدمهدی (۱۳۹۴) مدل مالکیت طولی و نظریه عدالت اقتصادی در اسلام، *پژوهش‌نامه علوم انسانی اسلامی*، ۳، صص ۹۵-۱۱۰.

۴۱. نادری شاهی، علی، نادران، الیاس و حمید ابریشمی (۱۴۰۲)، مالکیت در قرآن با رویکرد بسته‌های حقوق مالکیت، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۲۳(۸۹)، صص ۹۷-۶۹.

۴۲. نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۹۱) عدالت، مالکیت و رشد در تحول اندیشه‌های اقتصادی، تهران: دانشگاه امام صادق.

۴۳. نوراحمدی، محمدجواد (۱۳۹۲) تحلیل رابطهٔ عدالت اقتصادی با حقوق مالکیت در تاریخ اندیشه اقتصادی و دلالت‌های آن برای الگوی اسلامی_ایرانی پیشرفت، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت *مجموعه مقالات دومین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، جلد ۲، صص ۲۸۳-۳۲۴.

۴۴. نقره، فاطمه. راهکارهای ایجاد عدالت اقتصادی در قرآن با رویکردی به دیدگاه آیت‌الله طالقانی، *مرکز مطالعات قرآنی*، مرکز مطالعات اقتصادی، دانشگاه مفید قم، ۱۳۸۹.

۴۵. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۲) مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قرآن، *فصلنامه اقتصادی*، ۳ (۱۲)، صص ۳۵-۱۳.

۴۶. هاشمی تنکابنی، سیدموسی (۱۳۹۸) مرور تاریخی نظریه‌های مختلف درباره عدالت و پیجویی شواهد قرآنی موید هر نظریه، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۶۶، صص ۲۱۵-۲۴۰.

۴۷. پایگاه جامع قرآنی: ترجمه و تفسیرالمیزان، quran.inoor.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]